



3

نشریه اسلامی

باسمه تعالی

استفسار

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگ جهانی اسلامی

تاریخ: 2013/3/6 شماره: 4

پاسخگوی پرسش های دانشجویان مسلمان

www.khetabat.com

(س) 1- بعضی ها هم دعوی مسلمان بودن دارند و هم حامی افکار و قوانین امپریالیستی یا سوسیالیستی یا ناسیونالیستی هستند در این باره اسلام چه می فرماید؟

(ج) 1- اگر شخصی معتقد باشد که قوانین وضعی بهتر از قوانین شرعی است در این صورت

این شخص (کافر و خارج از ملت) گردیده است، اما اگر کسی بخاطر اغراض نفسانی بغیر حکم

الله حکم نماید، ولی عقیده دارد که تحکیم شریعت الهی بر وی فرض است، این شخص

(کفر اصغر) را مرتکب شده است، پس واجب است تا فیصله ها و قضایای مسلمانان مطابق

احکام شریعت اسلامی باشد و به قوانین وضعی رجوع کردن منافی ایمان است.

یهود در فیصله خصومات برشوت ستانی و طرفداری از ناحق عادی بودند از این جهت

دروغگویان و دزدان و خائنان می خواستند معاملات آنها نزد دانشمندان یهود فیصله شود

تا طرف مراعات واقع شوند، نه در محضر حضرت پیغمبر که آنجا جز نفاذ حق دیگر منظوری

نبود، روایت است که در مدینه میان یهود و منافقی که بظاهر مسلمان بود بر سر امری

نزاع پدید آمد، یهود چون حق به جانب بود، خوش بود که موضوع در محضر رسول الله

(صلی الله علیه و آله و سلم) فیصله شود و منافق چون به ناحق دعوی کرده بود می خواست

موضوع را (کعب بن اشرف) که سردار و دانشمند یهود بود فیصله کند، اخیرا هر دو از محضر

فرخنده نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) داوری خواستند، دعوی یهود به اثبات پیوست،

منافق چون از حضور پیامبر علیه الصلاة و السلام برآمد به این فیصله قانع نشد و خواست

دعوی ایشان را حضرت عمر رضی الله عنه فیصله کند زیرا تصور می کرد که حضرت عمر

رضی الله عنه بنا بر دعوی اسلام رعایت مرا بر یهود مقدم خواهد داشت، و در آن وقت حضرت

عمر رضی الله عنه به حکم رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه به فیصله اختلافات

می پرداخت، هر دو نزد حضرت عمر رضی الله عنه آمدند، حضرت عمر صورت دعوی را شنید
 یهود گفت این دعوی را که به حضور پیغمبر تقدیم کردیم چنین فیصله نمود، عمر رضی الله عنه
 فرمود این جا باشید و خود رفته و شمشیر گرفته باز آمد و منافق را کشت و گفت هر که
 فیصله چنان قاضی را نپذیرد فیصله وی چنین باید، آیت ذیل نازل شد و حضرت عمر از آن روز
 به لقب (فاروق) نایل گردید (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ
 يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضَلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا)
 (ای پیغمبر !) آیا تعجب نمی کنی از کسانی که می گویند که آنان بدانچه بر تو نازل شده و
 بدانچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند (ولی با وجود تصدیق کتابهای آسمانی ، به هنگام
 اختلاف) می خواهند داوری را به پیش طاغوت ببرند (و حکم او را به جای حکم خدا بپذیرند ؟!)
 و حال آن که بدیشان فرمان داده شده است که (به خدا ایمان داشته و) به طاغوت ایمان
 نداشته باشند. و اهریمن می خواهد که ایشان را بسی گمراه (و از راه حق و حقیقت بدر)
 کند. (النساء-60
 و هنگام منازعه چون به منافقان گفته شود که به حکم منزل الهی رجوع کنید و از رسول الله
 (صلی الله علیه و آله و سلم) داوری جوئید ، چون در ظاهر مدعی اسلامند آشکارا انکار ورزیده
 نمی توانند، اما از آمدن در محضر پیامبر و عمل به احکام خدا سر باز می زنند و می کوشند
 بهر شکلی که توانند رسول الله علیه و آله و السلام را بگذارند و چنانچه خود می خواهند نزاع
 جای دیگر فیصله گردد.

قرآن می فرماید:

{وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا }

(و زمانی که بدیشان گفته شود: به سوی چیزی بیائید که خداوند آن را (بر محمد) نازل کرده است،

و به سوی پیغمبر روی آورید) تا قرآن را برای شما بخواند و رهنمودتان دارد، منافقان را خواهی

دید که سخت به تو پشت می کنند (و از تو می گریزند و دیگران را نیز از تو باز می دارند.) (النساء - 61

الله سبحانه و تعالی سوگندهای منافقین را تکذیب نموده می فرماید خداوند جل جلاله راز دل آنها را

می داند و از نفاق و دروغ شان کاملاً آگاه و باخبر است.

{ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ يَمَّا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ ثُمَّ جَاؤُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّ أَرْدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا * }

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَعَظَّهُمْ وَقُلَّ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا {

(اما چگونه است که چون به سبب (خبت نفوس و سوء) اعمالشان بلائی بدانان رسد (و پناهی جز

تو نداشته باشند) به پیش تو می آیند و به خدا سوگند می خورند که ما (از اقوال و اعمال خود

منظوری و) مقصودی جز خیرخواهی (مردم) و اتحاد (ملت) نداشته ایم* آنان کسانیند که خداوند

می داند در دلهایشان چیست (و پندارشان بر چه روال و گفتارشان در چه مسیری است). پس از

ایشان کناره گیری کن (و به سخنانشان توجه مکن و به سوی حق دعوتشان نما) و اندرزشان بده و

با گفتار رسائی که به (اعماق) درونشان رسوخ کند با آنان سخن بگویی (و نتایج اعمالشان را

بدیشان گوشزد نما). سوره النساء - 62- 63

حضرت باری تعالی همه انبیاء را که بسوی بشریت فرستاده برای این است که مردم موافق حکم

الهی فرموده های آنها را بپذیرند و خداوند متعال بذات خود قسم خورده است که ای رسول تا زمانیکه

مردم در تمام منازعات مالی و جانی کوچک و بزرگ محض شخص ترا منصف و حکم ندانند و فیصله و

حکم ترا بکمال خوشی و بدون انقباض طبع نپذیرند هرگز مؤمن شمرده نمی شوند.

{ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ

لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا * فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُواكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا

فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا { (و هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر بدین منظور که

به فرمان خدا از او اطاعت شود (پس اطاعت از او، اطاعت از خدا، و سرکشی از دستور او،

سرکشی از دستور خدا بوده است). و اگر آنان بدان هنگام که (با نفاق و دروغگوئی و زیر

پا گذاشتن فرمان خدا) به خود ستم می کردند، به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می نمودند و

پیغمبر هم برای آنان درخواست بخشش می کرد، بیگمان خدا را بس توبه پذیر و مهربان می یافتند*

اما، نه! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به

داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم (قضاوت تو) باشند).

سوره النساء - 64 - 65

الله سبحانه و تعالی در این خصوص در آیات قرآنی چنین می فرماید:

(و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون) (و هر که حکم نکند موافق آنچه فرو فرستاده خدا،

پس آن گروه ایشانند کافران) المائده - 44

(و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون) (و هر که حکم نکند موافق آنچه فرو فرستاده خدا،

پس آن گروه ایشانند ستمگاران) المائده - 45

(و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون) (و هر که حکم نکند موافق آنچه فرو فرستاده

خدا، پس آن گروه ایشانند بدکاران) المائده - 47

* * * * *

(س) 2- بعضی ها بنام اولیاء الله قربانی و ذبح می نمایند، حکم این عمل در شریعت چیست ؟ و آیا

خوردن گوشت آن جائز است؟

(ج) 2- ذبح نمودن بنام و برای غیر الله شرک اکبر است، زیرا ذبح و قربانی کردن عبادت است، چنانچه

الله جل جلاله به آن امر نموده است: (فصل لربک و انحر) (پس خاص برای پروردگارت نماز گذار و خاص

برای او تعالی قربانی کن) الکوثر-2

{قُلْ اِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا اَوَّلُ

الْمُسْلِمِينَ} بگو: یقیناً نماز من و قربانی من و زندگی من همه و همه خاص برای الله بوده که پرورنده

جهان و جهانیان است، هیچ شریک و مانندی خداوند را نیست و به توحید و یکتاپرستی مأمور شده ام

و از همه اولاتر فرمان بردار و تسلیم پروردگار یگانه هستم) الانعام 162 - 163

پس هرگاه کسی بنام و برای غیر الله ذبح می نماید، مشرک و خارج از ملت شمرده می شود

بنابراین ذبح نمودن بنام فرشته، رسول، نبی، ولی، عالم و غیره همه حرام مطلق و شرک است،

و جایگاه شخص مشرک دوزخ می باشد.

{اِنَّهُ مَن يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَا وَاوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن اَنْصَارٍ}

(هر آینه کسی که شریک قرار دهد به خدا پس بدرستیکه حرام کرده است خدا بر وی بهشت را و

جای او دوزخ است و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده ای) المائده- 72

و خوردن هر چیزی که بنام غیر الله ذبح شود حرام است

{حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ}

ای مؤمنان بر شما حرام است خوردن گوشت مردار، خون (جاری)، گوشت خوک، و حیواناتی که به

هنگام ذبح نام غیر خدا بر آنها برده شود و به نام دیگران سر بریده شوند) المائده - 3

عن امیرالمومنین علی ابن ابیطالب رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم): (لعن الله

من ذبح لغير الله) (از امیر المومنین علی ابن ابیطالب رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله

(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: الله لعنت نموده است کسی را که برای غیر الله ذبح کند) رواه مسلم

* * * * *

(س) 3- پارچه شعری را مطالعه کردم که در آن به بزرگان دین و شاهان و قهرمانان وطن قسم یاد

شده است، آیا سرودن و یا خواندن چنین اشعاری جائز است؟

(ج) 3- سوگند یاد کردن به چیزی در حقیقت تعظیم آن بوده و یک نوع عبادت است بنابراین قسم

خوردن به غیر الله کفر و شرک می باشد، و اگر کسی به آن چیزیکه سوگند یاد میکند عظمت الهی

ندهد، شرک اصغر را مرتکب شده است.

مومن و مسلمان در صورت لزوم تنها باید به الله سبحانه و تعالی و یا صفتی از صفاتش سوگند یاد کند.

مشرکین دوره جاهلیت بغیر الله مانند: کعبه، پیامبران، فرشته ها و بزرگان ادیان و پادشاهان و آباء و

اجداد و غیره قسم می خوردند اما شریعت محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) همه این گونه قسمها

را حرام نموده است، رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید (ان الله ینهاکم ان تحلفوا

بآبائکم فمن کان حالفا فلا یحلف الا بالله) (هر آئینه خداوند شما را از قسم خوردن به پدرانتان نهی

می فرماید، پس اگر کسی قسم می خورد پس سوگند یاد نکند مگر به الله) رواه البخاری

در حدیثی دیگر چنین وارد است (من کان حالفا فلا یحلف الا بالله او لیصمت) (کسی که باید سوگند

یاد کند، پس سوگند یاد نکند مگر به الله یا خاموش باشد) رواه مسلم

بنابراین به اجماع اهل علم قسم خوردن به غیر الله جایز نیست، زیرا رسول الله (صلی الله علیه و آله

وسلم) می فرماید: (من حلف بغیر الله فقد کفر او اشترک) (کسیکه بجز الله سوگند یاد می کند هر

آئینه کفر یا شرک ورزیده است) رواه الترمذی

و احادیث و آثار در این مورد زیاد وارد است، فلهدا سرودن و خواندن اشعار و قصائدی که حاوی

سوگندها و قسمها به غیر الله باشد شرعاً جایز نیست

* * * * *

(س) 4- من شخص مسلمان هستم ، ولی دوستی دارم که مسلمان نیست ، سوالی که همیشه در ذهنم خطور میکند این است که، آیا التزام داشتن و پایبندی به دین اسلام تنها بر من (مسلمان) واجب است، یا شخص غیر مسلمان هم مکلف به ایمان آوردن و عمل کردن است؟

(ج) 4- بر شخص غیر مسلمان واجب است که دین مقدس اسلام را قبول نموده و به آن عمل نماید، زیرا دین اسلام تنها مربوط به مسلمانان نیست بلکه همه انسانیت را خطاب می نماید و می فرماید {قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ قَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ}

ای پیغمبر به مردم بگو: من فرستاده خدا به سوی جملگی شما (اعم از عرب و عجم و سیاه و سفید و زرد و سرخ) هستم. خدائی که آسمانها و زمین از آن اوست. جز او معبودی نیست. او است که می میراند و زنده می گرداند. پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، آن پیغمبر درس نخوانده ای که ایمان به خدا و به سخنهایش دارد. از او پیروی کنید تا هدایت یابید. (الأعراف - 158

عن ابی هریره رضی الله عنه عن رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) انه قال: و الذی نفس محمد بیده لا یسمع بی احد من هذه الامة یهودی و لا نصرانی، ثم یموت و لم یؤمن بالذی ارسلت به الا کان من اصحاب النار) (از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: قسم بذاتی که نفس محمد در دست اوست، نمی شنود از من کسی از این امت، یهودی و نه نصرانی، سپس می میرد در حالیکه ایمان نمی آورد به آنچه که فرستاده شده ام من به آن، مگر اینکه از اهل دوزخ می باشد) رواه مسلم

و در آخرت شخص کافر هم بخاطر (کفر ورزیدن) مورد عقاب واقع می شود و هم به سبب عدم امتثال اوامر و عدم اجتناب نواهی مجازات می گردد.

پاسخ از:

دکتر نهضتیار خطیبی

www.khetabat.com